

هدایتگران راه نور
۱۴
زندگانی بقیة الله الاعظم
امام مهدی


بسم الله الرحمن الرحیم

هدایتگران راه نور (زندگانی بقیه الله الاعظم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

آیت الله سید محمد تقی مدرسی

ناشر چاپی:

محبان حسین (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگانی بقیه الله الاعظم حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه:مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۹۴۵ - م.

عنوان قراردادی:الامام المهدی(عج) قدوه و اسوه. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور:زندگانی بقیه الله الاعظم حضرت مهدی(عج)/ محمدتقی مدرسی؛ مترجم محمدصادق شریعت.

مشخصات نشر:تهران: محبان الحسین(ع)، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ۶۳ص.

فروست:هدایتگران راه نور؛ [ج]۱۴.

شابک:۲۰۰۰ریال: ۹۶۴-۵۶۴۸-۸۲-۳ ؛ ۲۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۲۰۰۰ ریال (چاپ ششم) ؛ ۲۵۰۰۰ ریال(چاپ هفتم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (چاپ چهاردهم) ؛ ۴۰۰۰ریال (چاپ شانزدهم) ؛ ۴۰۰۰ ریال(چاپ نوزدهم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ بیستم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ بیست و یکم) ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ بیست و دوم)

یادداشت:چاپ قبلی: نشر بقیع، ۱۳۷۶.

یادداشت:چاپ دوم: ۱۳۷۹ .

یادداشت:چاپ سوم: ۱۳۷۹ .

یادداشت:چاپ پنجم: ۱۳۸۰ .

یادداشت:چاپ ششم: ۱۳۸۱.

یادداشت:چاپ هفتم: ۱۳۸۲ .

یادداشت:چاپ چهاردهم: ۱۳۸۵.

یادداشت:چاپ شانزدهم: تابستان ۱۳۸۶.

یادداشت:چاپ نوزدهم: پاییز ۱۳۸۶.

یادداشت:چاپ بیستم و بیست و یکم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت:چاپ بیست و دوم: پاییز ۱۳۸۸.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:چهارده معصوم -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده:شریعت پارسا، محمدصادق، ۱۳۳۶ -، ۱۳۴۲ - ، مترجم.

شناسه افزوده:هدایتگران راه نور؛ [ج] ۱۴.

رده بندی کنگره:BP۳۶/م ۴□۳۶ ۱۴.ج ۱۳۷۹

رده بندی دیویی:۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی:م ۷۸-۲۷۴۰۸

ص :۱

اشاره

سخن ناشر

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ)

(الإنبیاء، ١٠٥)

درود بیكران بر منتظرانی كه برای طلوع فجر حماسه آفرین «خورشید جهان افروز موعود امم» در بلندای قله های بیداری، به انتظار نشسته اند.

به بیان قرآن كریم مصلحی بزرگ از تبار علی و فاطمه علیهم السلام ظهور خواهد كرد و كار بزرگ اصلاح جان و جامعه انسانی به دست زبده آفاق حضرت ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف انجام خواهد شد.

بشر امروز در دوران انتظار به سر می برد و این دوران باید دوران تقویت ایمان و تحكیم مبانی ارزشی و مكتبی باشد.

در باره زندگانی نورانی حضرت بقیه اللّه الأعظم عجّل الله تعالی فرجه الشریف هزاران كتاب و مقاله به رشته تحریر در آمده و یكی از این كتابها ، كتاب حاضر می باشد كه به قلم روان و سلیس حضرت آیت اللّه العظمی مدرسی(حفظه اللّه) نگارش یافته است.

این كتاب از سال ١٣٧٩ تاكنون بیست و چهار نوبت تجدید چاپ گردیده است.

ص:٣

موسسه فرهنگی انتشاراتی محبّان الحسین علیه السلام بر خود می بالد که در شرایط آشفته و اسفناک جهان امروز ، که مسابقات تسلیحاتی و صف آرایی قدرتمندان ، مردم را به وحشت انداخته و اعصاب جهانیان را خسته و فرسوده نموده است ، تولید و تکثیر کتابهای دینی و نشر معارف اسلامی را سرلوحه کار خویش قرار داده است. تا بدینوسیله گامهای موثری در راه خدمت به جامعه بشری برداشته باشد.

از خداوند منان مسئلت داریم که مثل همیشه یار و یاورمان باشد.

انشاء اللّه

واحد فرهنگی انتشارات محبّان الحسین علیه السلام

ص:۴

پیشگفتار

الحمد للّه رب العالمین ، وصلی اللّه علی محمّد سیّد المرسلین وعلی آله الهداه المیامین ، وعلی أصحابه المنتجبین ، و علی عباد اللّه الصالحین.

مسایل بغرنج فلسفی هیچ گاه به عنوان تفنن فکری یا زیاده روی در ایده آلیسم مطرح نبوده بلکه غالب آنها از عمق محیط بشری برخاسته اند زیرا نظریات فلسفی می کوشند رابطهٔ درست میان انسان و خالق و نیز میان انسان و محیط اطراف او را مورد شناخت قرار دهند.

کسانی که خواسته اند فلسفه را از این مبحث مهم جدا کنند، علت وجودی فلسفه و حکمت انتشار آن در میان مردم و توجه آنان به فلسفه را از فلسفه سلب کرده اند.

یکی از اهداف گفتگو دربارهٔ امام غایب ، « حجت خداوند بر مردم » ، و ریسمان ارتباطی میان خدا و انسان ، نشان دادن ابعاد مهم از همین ارتباط مستقیم میان آفرینندهٔ آسمانها و زمین با انسان است !!

این رابطه در انسان کاملی که در خصوصیات انسانی هیچ تفاوتی با دیگر

همنوعان خود نـدارد به جز آنکه حجت خداست و رسالتهای الهی در او متجلی می گردد و از او یک انسان کامل می سازد تا پیشوا و مقتدای مردم شود ، تبلور می یابد.

از آنجا که بشریت سرگردان برای خود قهرمانی با عنوان سرباز گمنام و سوپرمن و قهرمانان خیالی دیگری آفریده است، دست عنـایت الهی نیز انسانی از گوشت و خون خلق کرده امام او نماد تمام فضـیلتها و راهبر تمام برتریهاست تا حجت خـدا بر انسان باشد تا مبادا انسان به خاطر نرسیدن به جایگاه والای خویش ضعف بشری را بهانه قرار دهد.

اینک ما بر آسـتان این پیشوای بزرگواریم «امام حجّت بن الحسن المنتظر» و من امیـدوارم کسانی که بـدو باور ندارند از نو در این مسأله تجدیـد نظر کننـد، و خود را از این فایـدهٔ بزرگ بی بهره نگذارنـد. کتابی هم که اینک پیش روی شـماست، گامی است بسـیار کوچک در این وادی. بنـده این کتـاب را حـدود بیست سـال پیش به رشـتهٔ تحریر آورده بودم و در این چاپ در برخی از بخشـهای آن بازنگریهایی به عمل اوردم و اکنون آن را به شـما تقـدیم می کنم و امیدوارم خداوند در روز قیامت مرا از نگارش این کتاب، منتفع سازد.

محمّدتقی مدرّسی

زندگینامه

نام: همنام پیامبر صلی الله علیه و آله (م – ح – م – د) علیه السلام.

پدر و مادر: امام حسن عسکری و نرجس

شهرت: مهدی موعود ، امام عصر ، صاحب الزّمان ، بقیّه اللّه ، قائم و...

زمان و محلّ تولّد: روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری قمری ، در سامراءمتولّد شد، وحدود پنج سال تحت کفالت پدر ، به طور مخفی به سربرد.

دوران زندگی: در چهار بخش:

۱ – دوران کودکی حدود پنج سال تحت سرپرستی پدر و در پشت پردهٔ خفاء ، تا از گزند دشمنان محفوظ بماند ؛ و هنگامی که در سال ۲۶۰ پدرش شهید شد ، مقام امامت به او محوّل گردید.

۲ – غیبت صغری: از سال ۲۶۰ ه . ق شروع شد و در سال ۳۲۹ که حدود ۷۰ سال می شود پایان یافت. (اقوال دیگری نیز گفته شده است).

۳ – غیبت کبری: که از سال ۳۲۹ شروع شد ، و تا وقتی که خدا بخواهدوظهور کند ، ادامه خواهد یافت.

۴ – دوران درخشان ظهور آن حضرت و حکومت جهانی او.

ص:۷

تباری پاک و بزرگوار

امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف کیست ؟

پـدرش امام حسن فرزنـد علی ، فرزنـد محمّـد ، فرزند موسـی ، فرزند جعفر ، فرزند محمّد ، فرزند علی ، فرزند حسـین ، فرزند علی بن ابی طالب (درود خداوند بر تمامی آنان باد) بود و مادرش کنیزی ترک و از سلالهٔ پاکی بود که با اوصیای عیسی بن مریم علیهما السـلام پیونـد می یافت. نام این کنیز ، نرجس یا صـیقل بود. او پیش از ازدواج با امام حسن علیه السـلام در کشور خود ، به خاطر خوابی که دیده بود ، اسـلام آورد و هنگامی که طلایه داران سـپاه اسـلام به دیارش هجوم بردند خود را تسلیم آنان کرد تاتقدیر ،او را به خانه امام عسکری بیاورد و مادر حجّت خدا گردد.

میلاد امام مهدی

در شب نیمهٔ شـعبان سال ۲۵۵ – و یا ۲۵۶ – هجری و در شـهر سامراء پایتخت خلافت در روزگار معتصم عباسـی ، امام مهدی چشم به جهان گشود.

ولادت او را شواهدی بود که نشان می داد خداوند برای این نوزاد

باسعادت چه اثری بر زندگی بشر مقدّر نموده است.

اجازه دهید با هم به سخنان حکیمه دختر امام جواد و عمّهٔ امام حسن گوش فرا دهیم و ماجرای ولادت آن حضرت را از زبان او بشنویم:

امام حسن عسکری مرا خواست و گفت:

حکیمه ! امشب نزد ما افطار کن. امشب نیمه شعبان است و خداوند تبارک و تعالی حجّت را در این شب آشکار فرماید. او حجّت خدا بر زمین است.

حکیمه گوید: پرسیدم مادر این نوزاد کیست ؟ فرمود: نرجس.

گفتم: فدایت گردم ! نشانی از حمل ، در نرجس نمی بینم. فرمود:

همین است که با تو گفتم.

حکیمه گوید: به خانهٔ آن حضرت آمده ، سلام دادم و نشستم. نرجس آمد ، کفش از پای من در آورد و گفت: ای بانوی من و بانوی خانواده ام امشب چگونه ای ؟ به او گفتم: تو بانوی من و بانوی خانوادهٔ منی. گفت:

چنین نیست. سپس گفت: عمّه چه شده است ؟ به او گفتم: خداوند متعال امشب تو را فرزندی عطا خواهد کرد که در دنیا و آخرت سرور است...

حکیمه گوید: نرجس ، از شنیدن این سخن خجل شد و شرم کرد. چون نماز شام را گزاردم ، افطار کردم به بستر رفته ، خوابیدم. نیمه شب برای خواندن نماز شب از جا برخاستم. نرجس خفته بود و نشانی از وضع حمل نداشت. نماز گزاردم و به تعقیبات نماز پرداختم و آنگاه دو باره خوابیدم. پس از لحظه ای مضطرب برخاستم و او را دیدم که خوابیده.

سپس برخاست و نماز گزارد و خوابید. حکیمه گوید ؛ برای اینکه ببینم سپیده دمیده یانه ، بیرون آمدم. دیدم که هنوز فجر اوّل است. نرجس خفته بود. در بارهٔ سخن امام حسن علیه السلام دچار تردید شدم که ناگاه حضرت از جایی که نشسته بود با صدای بلند به من بانک زد: « عمّه شتاب مکن ! هنگام وعده نزدیک است ». حکیمه گوید: نشستم و سوره های « سجده » و « یاسین » را قرائت کردم. در این حال بودم که ناگهان نرجس مضطرب از خواب بیدار شد. به طرف او جستم و نام خدا را بر او بردم و آنگاه پرسیدم: آیا چیزی احساس می کنی ؟ گفت: آری عمّه. گفتم: روح و قلب خود را قوی نگه دار. این همان چیزی است که با تو گفته بودم. مرا سُستی فراگرفت و او را زایمان. ناگهان متوجّه صدای سرورم امام زمان شدم.

پرده از نرجس برداشتم. دیدم نوزاد به دنیا آمده و سجده گاه ههای خویش را بر زمین نهاده و در حال سجده است. او را در آغوش گرفتم. دیدم (بر خلاف سایر نوزادان) تمیز و پاکیزه است.

در این هنگام امام عسکری مرا بانگ زد: عمّه ! پسرم را نزد من بیاور.

او را خدمت امام علیه السلام بردم. امام دست ، زیر رانها و پشت بچّه گرفت و پاهای او را روی سینهٔ خود گذارد و سپس زبان در دهانش گرداند و دست بر چشمان و مفصلهای بدن نوزاد کشید. (۱)

پس از ولادت این کودک ، امام حسن عسکری آداب و رسوم تولّد را به تفصیلی که در زیر می آید به اجرا گذارد.

۱- (۱)) - کمال الدین - صدوق ، ج۲ ، ص۹۹.

ده هزار رِطـل (۱) نـان و ده هزار رطـل گوشت برای او صـدقه داد و سـیصد گوسـفند نیز به خـاطر او عقیقه کرد و از روز تولّد نوزاد آنها را برای بنی هاشم و شـیعیان فرستاد. سپس یاران خاص خویش را از ولادت فرزندش و اینکه او پس از ایشان امامت را عهده دار است ، آگهی داد وآنان را فرمود تا این خبر را در میان خود مخفی نگه دارند. از محمّد بن حسن بن اسـحاق قمی نقل است که گفت: چون امام زمان به دنیا آمد ، مولای ما امام عسـکری نامه ای به جدّم احمد بن اسحاق نوشت که در آن به خط خویش که بدان نامه های خود را صادر می فرمود ، نگاشته بود:

« نوزاد به دنیا آمد. باید این خبر پیش تو پنهان بماند و دیگر مردمان از آن اطلاعی نداشـته باشند. ما کسی را از خبر ولادت او آگـاه نمی کنیم مگر خویشاونـد نزدیک را به خاطر خویشاونـدی ، و دوست را به خاطر ولایتش. دوست داشتیم این خبر را نیز به تو اعلام کنیم تا خداوند همچنانکه ما را بدان مسرور ساخت ، تو را نیز از شنیدن آن شاد وخوشحال سازد. و السلام ». (۲)

از ابراهیم ، صحابی امام حسن عسکری نقل است که گفت:

« مولایم امام عسکری علیه السلام چهار قوچ برایم فرستاد و نامه ای نیز به من نوشت (بدین مضمون).

بسم اللّه الرحمن الرحیم. این قوچها به خاطر (ولادت) فرزندم محمّد

۱- ((۱)) - رطل واحد وزن و تقریباً برابر با ۸۴ مثقال است.

۲- ((۲)) - کمال الدین - صدوق ، ص۱۵۸ - ۱۳۸.

المهدی است. از آنها بالذّت بخور و هر که از شیعیان ما را دیدی بدو نیز بخوران » (۱)

پنهان بودن میلاد حجّت اللّه

ولادت امام زمان علیه السلام بدین گونه انجام پذیرفت و به خاطر شرایط سیاسی آن دوران در زیر پردهٔ کتمان پوشیده ماند. امام حسن عسکری علیه السلام تولّد فرزند خودش را جز به اصحاب خاص خود در میان ننهاد. در روایتی از کتاب غیبت ، از عدّه ای از اصحاب امام عسکری نقل شده است که گفتند:

« نزد امام عسکری علیه السلام گرد آمده بودیم و از وی در بارهٔ حجّت و پیشوای پس از او پرسش می کردیم. در مجلس او چهل مرد حضور داشتند. عثمان بن سعید بن عمر عمری در برابر آن حضرت بر پا خاست و گفت: فرزند رسول خدا ! می خواهم در بارهٔ مطلبی از شما سؤال کنم که خود بدان داناتر از منی. امام به او فرمود: بنشین عثمان ! عثمان ناراحت و خشمگین برخاست تا خارج شود. امّا آن حضرت فرمود: کسی بیرون نرود. هیچ کدام از ما بیرون نرفتیم. تا پس از ساعتی که امام ، عثمان را با صدای رسا ندا داد. عثمان روی پاهایش برخاست. امام فرمود: آیا شما را به خاطر مطلبی که آمده اید ، آگهی دهم ؟ همه گفتند: آری ای فرزند رسول خدا ! فرمود: شما آمده اید تا در بارهٔ حجّت پس از من سؤال کنید:

۱- (۱) - بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۲ - ۳.

همه گفتنـد: آری. ناگهان پسـری را دیدیم مثل پارهٔ ماه ، شبیه تر از هر کسـی به امام عسـکری ! فرمود: این پس از من پیشوای شماست و جانشـین من بر شـما. او را فرمان بریـد و پس از من به تفرقه دچار نشوید که در دین خویش به هلاکت افتید. بدانید که شـما پس از این روز او را نخواهیـد دید تا عمرش کامل گردد. از عثمان بن سـعید آنچه را می گوید بپذیرید و فرمان او را اطاعت کنید. که او جانشین امام شماست و کار به دست اوست ». (۱)

دورهٔ امامت، چگونه آغاز شد؟

خلفای عبّاسـی بنابر عادت معمول خویش ، هر گاه فرصتی برای کشـتن اولیاء اللّٰه می یافتند ، فوراً آنها را به زهر از پای در می آوردند.

معتصم نیز ، امام حسن عسـکری علیه السـلام را به زهر شـهید کرد و سپس در صدد یافتن فرزندِ آن حضرت بر آمد تا او را نیز از میان بردارد و به خیال خویش دنبالهٔ امامت را نیست و نابود گرداند.

معتصم عـده ای را به خانـهٔ امام فرسـتاد تا هر که و هر چه در آنجاست توقیف کننـد. بهتر است خبر این ماجرا را از زبان احمد بن عبد اللّٰه بن یحیی بن خاقان پسر وزیر معتصم بشنویم. او در این باره می گوید:

چون امام حسن عسـکری بیمار شد. پدرم به من پیغام داد که امام بیمار شده. آنگاه خود همان لحظه سوار شد و به دار الخلافه رفت و سپس با پنج نفر از خادمان امیرالمؤمنین معتصم شتابان بازگشت. همهٔ آنان از افراد

۱- (۱) - اثبات الهداه - حرّ عاملی ، ج۷، ص۵۲.

مورد وثوق و خواص خلیفه بودند. یکی از آنها هم « نحریر » بود. پدرم به آنها دستور داده بود در خانۀ حسن بن علی باشند و اوضاع و احوال او را زیر نظر بگیرند. همچنین در پی عده ای از پزشکان فرستاده بود و به آنان دستور داده بود که در خانۀ امام حسن عسکری رفت و آمد کنند وهر بام و شام از او پرستاری و مراقبت کنند.

چون دو روز از این ماجرا گذشت ، کسی نزد پدرم آمد و به وی خبر داد که آن حضرت (بیماری اش شدت یافته و) ضعیف شده است. پدرم سوار شد و به خانۀ آن حضرت رفت و به پزشکان دستور داد بخوبی حال آن حضرت را تحت نظر بگیرند. همچنین در پی قاضی القضات فرستاد وبه او دستور داد که پیش او بیاید و ده تن از کسانی را که به دین و امانتداری و پرهیز گاری آنان مطمئن است ، انتخاب کند و با خود بیاورد. آنگاه تمام آنها را به خانۀ امام حسن فرستاد و بدیشان تکلیف کرد که شبانه روز همانجا بمانند. آنها در آنجا بودند تا آنکه امام حسن عسکری علیه السلام درگذشت. رحلت او چند روز گذشته از ماه ربیع الاوّل سال ۲۶۰ واقع شد. با رحلت او سامراء یکصدا ناله بر می آورد که ابن الرضا از دنیا رفت.

خلیفه عدّه ای را به خانه آن حضرت فرستاد تا خانه و اتاقها را بازرسی کنند و هر آنچه در خانه است مهر و موم نمایند و نشان فرزند آن حضرت را بجویند. همچنین زنانی آوردند که از حمل و آثار آن آگاه بودند. زنان پیش کنیزهای امام رفته ، یکایک آنها را معاینه کردند. یکی از این زنان ادعا کرد که در میان این کنیزها ، کنیزی است که نشانۀ حمل با خود دارد.

از این رو دستور دادند آن کنیز را در اتاقی نگه دارند. نحریر و یارانش و نیز زنانی که با او بودند ، مأمور مراقبت از این اتاق شدند.

سپس احمد بن عبداللّه در ادامهٔ گفتار خویش می گوید:

مأمورینی که گمان می کردند آن کنیز باردار است و از او مراقبت می کردند ، دو سال و اندی وی را زیر نظر داشتند تا آنکه به اشتباه خود پی بردند. سپس میراث امام حسن میان مادر و برادرش ، جعفر ، تقسیم شد و مادرش ادعا کرد وصی او است و این امر نزد قاضی ثابت شد.

سپس وی ماجرای مخالفت جعفر با وصایا را نقل کرده تا آنجا که می گوید:

بیرون آمدیم ، وضع بر همین منوال بود ، و خلیفه امروز در پی جستن نشانی از فرزند امام حسن علیه السلام است. (۱)

بدین گونه قدرت جاهلی و استکباری می کوشید ، ریشه های امامت را از بیخ برکند و حرکت اصیل مکتبی را دستخوش نابودی سازد. امّا به مقصود خود نایل نیامدند که دست خداوند بر فراز دستان آنها بود.

(يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (۲) ؛ « خواهند پرتو خدا را با دهانهای خویش فرونشانند امّاخداوندچنین نخواهد مگر آنکه پرتو خویش را به انجام رساند ، هر چند که کافران نا خوش دارند. »

۱- ((۱)) - کمال الدین - صدوق ، ج۱ ، ص۱۲۵.

۲- ((۲)) - سورهٔ توبه ، آیهٔ ۳۲.

امـام حجّت علیه السـلام عمویی داشت ، که نـامش جعفر بود. او ادعـا می کرد که امـامت پس از برادرش امام حسن عسـکری علیه السـلام حـقّ اوست. بنـابر همین ادعـای باطـل او مردم را به خـود می خوانـد و حـتّی در راه رسـیدن به مقصـود خـویش به قـدرتهای سـتمگر متوسّل می شد ، تا از آنها کمک بگیرد. بدون آنکه بداند آنچه موجب اسـتمرار خط امامت است ، مقاومت در برابر همین قدرتها و رهبری توده های مؤمن بر ضّد فساد و انحراف آنهاست.

جعفر که خود می دانست از شایستگیهای کافی برای امامت بهره ای ندارد. و به خوبی آگاهی داشت که امّت ، پیشوایی او را به رسـمیّت نمی شـناسد. نزد عبـداللّه بن یحیی بن خاقان ، وزیر خلیفهٔ وقت عباسـی رفت ، و کوشـید از کمکهای او بر خوردار شود. پسر این وزیر ماجرای این برخورد را چنین باز گو می کند:

پس از تقسـیم میراث ، جعفر نزد پـدرم آمـد و بدو گفت: حقوق پدرم را برای من نیز مقرّر دار و هر سال ۲۰ هزار دینار به من انعام بده.

پـدرم او را از این خواسـته نهی کرد و بـدو گفت: احمق ! خلیفه ، در مورد کسـانی که ادعـا می کننـد پـدر وبرادرت امامنـد ، شمشیر خویش را آخته و تازیانه اش را بالا برده تا آنان را از این باور باز گرداند. امّا این امکان برای خلیفه فراهم نشد. تا آنان را از این اعتقـاد در بـارهٔ پـدر و برادر تو منصـرف سـازد. پس اگر تو پیش پیروان پـدر و برادرت امام بودی چه نیازی به خلیفه داشـتی که حقـوق آنهـا را برای تـو قرار دهـد ؟ و اگر پیش اینـان چنین جایگـاهی نـداری ، در نزد مـا هم بـدان حقوق دسـت نخواهی یافت.

دیری نپایید که جعفر از این ادعای دروغ خود دست برداشت و به راه صواب بازگشت و امامتِ حضرت حجت علیه السلام را پذیرفت. از این رو پیش شیعیان که او را جعفر کذّاب نامیده بودند ، ملقّب به « جعفر توّاب » شد.

غیبت صغری

پس از آنکه پیشوایان هدایت گر ، طی گذشت دو قرن و نیم از عمر رسالت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله احکام و شرایع دین را تبیین کرده بودند ، و پس از آنکه برگزیدگان امّت از طریق جانشینان معصوم پیامبران ، پرچم آنها را بر دوش گرفتند و ریشه های شناخت و معرفت الهی در جان هزاران هزار نفر استحکام پذیرفت ، و از پسِ آنکه جریانِ مکتبی وظیفهٔ انقلاب بر ضدّ ستم و طغیان را عهده دار گردید و در برابر انحرافات اساسی در دین قد علم کرد ، خداوند برای ولی اللّه اعظم حضرت حجّت بن الحسن علیهما السلام غیبت صغری را مقدّر فرمود. این غیبت از سال ۲۶۰ ه تا سال ۳۲۹ ه به طول انجامید. در طی این مدّت عدّه ای به نام وکیل ، پُل ارتباطی میان امام و شیعیان بودند. اینان عبارتند از:

۱ - ابو عمرو عثمان بن سعید. وی وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود و پس از در گذشت آن بزرگوار نایب امام حجّت گردید.

۲ - پس از وفات عثمان در سال ۲۶۶ ه ، امام حجّت فرزند وی ابو جعفر محمّد بن عثمان را نایب خویش قرار داد. مدّت نیابت محمّد ۳۸ سال بود.

۳ – پس از محمّد بن عثمان ، حسین بن روح به نیابت رسید. او که از سال ۳۰۴ ه ، بدین سمت منصوب شد برای مدّت ۲۲ سال از جانب امام به عنوان مرجع شیعیان عمل می کرد.

۴ – پس از آنکه حسین بن روح ،ندای پروردگارش را اجابت گفت.

امام علیه السلام ، علی بن سمری را به عنوان جانشین او تعیین کرد. علی بن محمّد سه سال در این منصب باقی ماند و چون وفاتش نزدیک شد ، از آن حضرت در بارهٔ کسی که پس از وی باید جانشین شود پرسش کرد. امّا آن حضرت به وی آگهی داد که پس از وفات او دورهٔ غیبت صغری نیز به پایان می رسد.

در طول سالهای غیبت صغری چهار فقیه بزرگ یاد شده ، به نیابت از امام نقش رهبری را ایفا می کردند و چه بسا این مدّت برای تربیت امّت برای گزینش رهبران خود در دورهٔ غیبت کبری از میان فقها ، کسانی را که از نظر خصوصیتها به نوّاب اربعه بیشتر نزدیک باشند ، کافی بوده است.

چرا که ضروری بود امّت از میان فقهای عادل و راسخ در دانش اهل بیت ، و زاهد در دنیا و کسانی که تبلور تعالیم مکتب هستند ، بتواند کسی را برگزینند.

شاید حکمت این امر در این نهفته باشد که ارتباط الهی از وحی به وصایت (امامت) واز آن به نیابت خاصّه و پس از آن به نیابت عامه ، درجه بندی می شود.

روزگار پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله ، روزگار وحی است که شاهد ماجراهای عظیمی است. پس از آنکه کار تبلیغ رسالت کامل شد، ائمه علیهم السلام

مأمور این وظیفه شدند که آیات متشابه قرآنی را تفسیر کنند. چرا که مردم خود می بایست مستقیماً به آیات محکم رجوع می کردند.این نکته خود گامی پیش برنده در راه برخورد با وحی تلقّی می شود.

در روزگـار امـامت ، بسـیاری از دانشـمندان مسـلمان در پی فرا گرفتن فقه ، همّت گماردنـد تا آنجا که برخی از آنان از سوی ائمه مـأمورِ دادن فتوا شـده بودنـد. بعـد از این دوره ، مرحلـهٔ نیـابت خاصّه آغاز می شود. مردم در این مرحله وظیفه داشـتند از طریق مراجعه به نوّاب امـام علیه السـلام و نه به صورت مسـتقیم ، آن چنـانکه در روزگـار امـامت معمول بود ، بـا آن حضـرت تماس بگیرند.

امّا اکنون که عصـر نیابت عامّه است ، مسـلمانان باید به فقیهان عادلی که بنابر مقیاسهای عمومی ، به شایستگیهای آنها شناخت پیدا کرده اند ، مراجعه کنند. این شایستگیها از زبان ائمه علیهم السلام برای مردم بازگو و تبیین شده است.

اگر چه ارتبـاط حجّت اللّه بـا اولیـای خـدا به اشـکال گوناگونی ادامه دارد ، لیکن این امر در چهار چوب احکام ظاهری داخل نمی گردد. چون هیـچ کس نمی توانـد ادعا کند که نایب خاصّ امام است. حتّی نمی تواند ادعا داشـته باشد که با امام ارتباط مستقیم دارد و چنانکه کسی زبان به چنین ادعاهایی بگشاید مسلمانان خود باید او را تکذیب کنند.

اگر چنین درجه بندی وجود نمی داشت ، امّت با فاجعه ای واقعی روبه رو می شد.

ص:۲۰

شمایل و صفات امام غائب

اوصاف آن حضرت با دقت تمام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بیان شده است. شاید فلسفهٔ این امر بدان جهت بوده که با ذکر این اوصاف جلوی هر کسی را که قصد داشته ادعای مهدویت بکند ، بگیرند. چرا که مسأله ظهور امام مهدی در آخر الزمان یکی از ضرورتهای دینی هم شده بود. واز آنجا که فراهم آمدن تمام این صفات و ویژگیها ، که در روایات اسلامی ذکر آنها رفته ، در شخص مدّعی مهدویّت امکان ناپذیر است بنابراین باعث می شود تا دروغ او پیش مردم فاش شود.

دربارهٔ اوصاف آن حضرت چنین آمده است:

۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله اوصاف حضرت مهدی را چنین بیان می فرماید:

« مهدی از من است ، او بلند پیشانی است و دارای بینی باریکی است که میانش اندك بر آمدگی دارد. مهدی از فرزندان من است. چهره اش چون ماه تابان است. چشمان گردی دارد. رنگش ، رنگ عربی و بدنش ، بدن اسرائیلی است. صورتش مثل دینار (گرد و سرخ) است. دندانهایش چون ارهٔ (تیز و برّان) و شمشیرش چون سوزش آتش است ».

۲ - امام علی علیه السلام نیز در توصیف حضرت قائم چنین می فرماید:

« مهدی دیدگانی مشکی دارد و موهایی پر پشت. او دارای چهرهٔ سرخ و پیشانی نورانی است. صاحب خال و علامت است. عالمی است غیور دانائی است که اخبار گذشتگان را داراست. ساحت و درگاهش از همهٔ

شما گشاده تر و دانش او از تمام شما افزون تر و بیش تر از همهٔ شما به جای آرندهٔ صلهٔ رحم است. به مرغ (که در آسمان پرواز می کند) اشاره می کند و در دستش فرومی افتد ، و شاخی (خشک) در زمین می کارد ، سبز می شود و برگ می آورد ».

۳ – امام حسین علیه السلام در بارهٔ اوصاف آن حضرت نیز چنین می فرماید:

« مهدی را از روی سکینت و وقاری که دارد و همچنین دانش او به حلال و حرام و نیازمندی مردم به او و بی نیازی او از مردم می شناسید ».

۴ – امام باقر علیه السلام اوصاف امام مهدی را چنین بیان کرده است:

«سیاهی چشمانش تابنده و پنجه هایش قوی و زورمند است و زانوانش بزرگ و شکمش فربه است. پشت او دو خال است ، خالی به رنگ پوستش و خالی همانند خال پیامبر ، ابروانش به هم پیوسته است ، دیدگانش از کثرت شب بیداری و عبادت آشکار است ، سیاهی چشمانش تابنده است. در صورتش اثری (خالی) است ، سینه اش فراخ است ، شانه هایش را (به دو طرف بدنش) رها می کند و سر استخوانهای کتفش بزرگ و درشت است ».

۵ – امام صادق علیه السلام نیز در بارهٔ اوصاف آن حضرت فرموده است:

« مهدی خوش سیما و گند مگون است که به سرخی می زند ، ابرو کمان و نورانی است و سیاهی چشمانش بغایت سیاه است ، چشمان فراخ دارد ، بالای بینی اش بر آمده است ،بینی عقابی دارد و پیشانی بلند. او خاشع است و نازک مثل شیشه ، هیبتش مردم را می ترساند ، به مردم و دلها نزدیک

است ، شیرین گفتار و خوش سیماست ، ساقهایش باریک است و بدنی نیرومند دارد ، چون بر کوه بانگ زند صخره ها از هم بپاشند و فروریزند ، دست برنده ای نمی نهد جز آنکه دلش همچون پاره های آهن (سخت و نیرومند) می گردد ، نه بسیار بلند بالاست و نه بسیار کوتاه بلکه میانه قامت است ، سَرِ گرد دارد و سینهٔ فراخ ، بلند پیشانی است و ابروهایش پیوسته است ، بر گونهٔ راستش خالی است گویا دانهٔ مشک است که بر قطعهٔ عنبر ساییده باشند ».

۶ - امام رضا علیه السلام نیز اوصاف امام را چنین بیان کرده است:

« او شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. هاله هایی از نور او را احاطه کرده که به پرتو قدس درخشیدن گیرد. دارای اعتدال اخلاق است و رنگی شاداب دارد. در هیأت بدنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله شبیه است.

نشانهٔ اش آن است که (از نظر سن) سالخورده است امّا سیمای جوان دارد تا آنجا که بیننده او را چهل ساله یا کمتر می انگارد. دیگر از علایم او آن است که تا گاه مرگ و با وجود گذشت روزها و شبها ، اصلاً پیر نمی شود ». (۱)

۱- (۱) - روایاتی که در این باره ذکر شد برگرفته از کتاب « یوم الخلاص » نوشته کامل سلیمان از صفحات ۵۱ تا ۵۵ بود.

انتظار فرج یا آرزوی شورآفرین

اشاره

بعضــی از سـنتهای الهی هسـتند کـه حیـات جوامع بر اسـاس آنهـا جریـان می یابـد ، و زنـدگی افراد را در جـامعه دسـتخوش دگرگونی می سازند.

یکی از برجسته ترین این سنتها پیروزی حق و راندن باطل است:

(وَقُلْ جاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً) (۱).

« بگو حق بیامد و باطل نابود شد که باطل نابود شونده است. »

کشتی زنـدگی سـرانجام برکرانه های دریای رحمت خدا لنگر خواهد انداخت که رحمت خدا بر غضب او پیشـی گرفته ، و از سویی خداوند مردم را آفرید تا بدانها رحمت آرد.

پروردگار سـبحان ما را بـدین سـنّت متوجّه می سازد ، سـنّتی که اگر در تاریـخ بشـر و در ظواهر هستی در آن نیک تأمل کنیم آثار آن را به روشنی تمام خواهیم دید:

(هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَیٰ وَدِینِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

۱- ((۱)) - سورهٔ اسراء ، آیهٔ ۸۱.

الْمُشْرِكُونَ) (۱).

« اوست آن که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد تا بر سایر کیشها چیره اش گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید. »

تا زمانی که آسمانها و زمین به حق و بر پایهٔ حق آفریده شده اند ، قدرت و حاکمیت و سیادت حق نیز باید با سیر هستی در پیوند باشد و به رخصت خداوندی نتیجهٔ تکامل حوادث و رویدادهای هستی باشد:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (۲).

« و در زبور بنوشتیم پس از ذکر که بندگان شایسته من زمین را ارث برند. »

این حقیقت که مکاتب الهی بر آن تأکید کرده اند تنها محدود به یک قوم و یا منحصر به وراثت صالحان در قسمتی محدود از زمین نیست.

بلکه بیانی است برای سنتی الهی و عمومی که در شورشها و انقلابهای صالحان بر ضدّ ستمگران و طاغوتیان متحقق می شود و بطور کامل در وراثت صالحان از تمام جهان تجلّی می یابد. دلیل ما بر این سخن آن است که:

اوّلاً: کلمهٔ ارض (زمین) در آیهٔ مذکور با الف و لام آمده که خود نشان دهندهٔ آن است که مراد از « الارض » تمام زمین است.

ثانیاً: تأکید قرآن بر این حقیقت در چندین کتاب آسمانی دیگر آمده

۱- ((۱)) - سورهٔ توبه ، آیهٔ ۳۲.

۲- ((۲)) - سورهٔ انبیاء ، آیهٔ ۱۰۵.

است و مجالی برای شک در این نکته باقی نمی گذارد که این امر سنتی است الهی که خداوند روند رویدادهای هستی را مطابق با آن به جریان می اندازد تا بالاخره بطور کلی متحقّق گردد.

(وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ) (۱).

« وخواهیم بر مستضعفان در زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم. و فرمانروایيشان دهیم در زمین و به فرعون و هامان و سپاهیان ایشان نشان دهیم آنچه را که از آن می ترسیدند. »

تجربه های بشری حاکی از آن هستند که روند طبیعی نظامهای حاکم بر زمین به گونه ای است که با اتکا به آنها نمی توان بدین آرمان والا ونهفته در روح افراد بشر که عبارت از همان تحقّق یافتن مدینه فاضله است دست یازید. جایی که عدل و داد در آن برتری دارد و حق بی هیچ شریکی در چهار گوشهٔ آن حکم می راند.

بنابر این چطور و چه هنگام می توان بدین آرمان فطری و مشروع جامه تحقّق پوشاند ؟ آیا ممکن است بشر به گونه ای معمولی تکامل یابد تا به این درجهٔ والا برسد ؟

زرادّ خانه های سلاحهای اتمی و شیمیایی ، و توطئه های مستکبران بر ضدّ مستضعفان ، وعقب نشینی آشکار بشریّت از میدانهای فضیلت

۱- ((۱)) - سورهٔ قصص ، آیات ۵ - ۶.

و هـدایت ، و فرو افتـادن خوفنـاك آن در پرتگـاه فسـاد و تجـاوز و سـتمگری دلیلی آشـكار بر اینكه تنهـا راه تحقق اهـداف و آرمانهای انسان ، همان رحمت خداست كه انسان را از تاریكیها به سوی روشنایی بیرون آورد.

این رحمت تنها در ظهور امام حجت عجّل الله تعالی فرجه الشـریف ، دوازدهمین امام از خانـدان رسول خـدا خاتم پیامبران ، و مقتدای راستكاران ، متجلّی است.

و ایمان بـدین حقیقت راست ، در دلهای مؤمنان شـعله ای جاویـد از آرزو و امید بر می افروزد ، امید و آرزویی كه در حركت تكاملی انسان به مثابهٔ نیروی محركهٔ او محسوب می شود.

این امید الهی است كه با شاخصهٔ « سعی و تلاش » با آرزو و امید تفاوت می یابد. زیرا سعی برای متحقّق ساختن این امید الهی شرطی ضروری به شمار می رود حال آنكه آرزو و امید توجیهی است برای ماندن و حركت نكردن.

این آرزو و امیدی است كه مجاهدان را از تیرگیهای نا امیدی و یأسـی كه شـیطان با بهره گیری از شرایط خفقان و اضطراب و ناتوانیهایی مادی در دل آنان راه داده ، رهایی می بخشد.

ایـن امیـد و آرزویی است كه بر نگاههـا و مواضـع فرد منعكس می شـود ، و بـدان رنگی از خـوش بینی مثبت می زنـد و روح بـدبینی و گمـان و منفی بـافی و شـكست كه دسـتگاههای طاغوت و وسوسه های طاغوتیان می كوشـند آن را در جسم و جان عاملان و كوشـندگان راه خـدا تزریق كننـد ، از آنها می رانـد و می زدایـد. شایـد به خاطر همین حكمت باشـد كه در حدیث نبوی

ص:۲۷

آمده است:

« برترین کارهای امّت من، انتظار فرج است ».

امام زمان در آیات و روایات

ظهور عزیر علیه السلام وبازگشت عیسی علیه السلام ورجعت بهرام در ادیان یهودی ومسیحی و زردشتی با ظهور خاتم اوصیا ، حضرت حجّت علیه السلام تحقّق خواهد پذیرفت.

تفسیر پنجاه آیهٔ قرآن و دهها حدیث از پیامبر اکرم و صدها روایت نقل شده از اهل بیت همه با ظهور آن حضرت صورت تمام به خود می گیرد.

بیش از ۶۵۷ حدیث در بارهٔ مهدی موعود به تواتر نقل شده است. (۱)

این روایتها را بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند. در بارهٔ ظهور آن حضرت ، دانشمندان اهل سنّت بیش از ۱۴۴ کتاب نوشته اند. (۲)

بسیاری از دانشمندان مسلمان ، از مذاهب مختلف ، مدّعی تواتر حدیث در این باره هستند و ما نیازی به بحث با ادیان آسمانی در بارهٔ شخص امام مهدی نداریم چون دارای زمینهٔ مشترک حدیث با آنها نیستیم بلکه به جای پرداختن به این کار باید به بحث پیرامون نظریه ای بپردازیم

۱- ((۱)) - تفصیل این احادیث را در بحار الانوار ، جلد ۵۱ تا ۵۳ و نیز در منتخب الاثر ، ص۳۱ تا ۶۰ می توانید یافت.

۲- ((۲)) - نام این مؤلفان در کتاب « الامام المهدی » ص۲۹۹ تا ۳۱۸ آمده است.

که می گویـد: حضـرت مهدی در آخر الزمان متولّد می شود و سـپس ظهور می کند. ما گمان می کنیم زندگی طولانی امام ، به عنوان یک مشـکل روانی که در برابر ایمان به زنـده بودن امام نمود پیدا می کند. بنابر این به ما اجازه دهید نخست به بحث پیرامون قضیهٔ طول عمر بپردازیم و آنگاه در بارهٔ آن نظریه به بحث بنشینیم.

مسألهٔ طول عمر

پروردگـار سـبحان بـا نعمت دیر پـا و رحمت گسـتردهٔ خـویش خواست حجّت را بر بنـدگانش تمـام فرمایـد. بـدین ترتیب که رسولان خویش را به سوی مردم فرستاد تا مبادا زمین از وجود حجّت خالی بماند.

خداوند عمر خاتم اوصیا را طولانی فرمود. چون پس از درگذشت محمّد صلی الله علیه و آله پیامبری نبود تا رشتهٔ پیوند میان زمین و آسمان باشد. بنابر این با انقطاع وحی ، ارتباط غیبی از طریق یکی از اولیای خدا همچنان استوار ماند.

قـدرت خـدا که در هر چیز نفوذ دارد و بـدان آسـمان و زمین را بیافریـد ، خدای سـبحان را از دراز گردانیدن عمر انسان عاجز نمی سازد.

ما به عنوان یک مسـلمان بر این باوریم که خداونـد ، نوح را ۹۵۰ سال و حتّی بیشتر عمر داد و عیسـی و ادریس و عبـد صالح (خضـر) را تا همین حالا نیز زنده نگاه داشته است ، پس چگونه ایمان نیاوریم به اینکه امام زمان علیه السلام نیز از عمر دراز بر خوردار است ؟

ص:۲۹

دین و پدیدهٔ طول عمر

اینك از بعد دینی محض در بارهٔ این موضوع گفتگو می کنیم. هر یک از معتقدان به ادیان یهودی ، مسیحی و اسلامی بر این باورند که قدرت خداوند شامل تمام امور و از جمله دراز گردانیدن عمر یکی از افراد بشر می شود. بنابر این کسی که باید در هفتاد سالگی بمیرد ، خداوند می تواند او را بطور مثال تا هزار سالگی هم زنده بدارد.

آنها عملاً چنین اعتقادی دارند. زیرا هنوز هم بطور اصولی ، حیات بسیاری از کسانی که جلوتر از امام مهدی علیه السلام به دنیا آمده اند ، مثل خضر ، ادریس و عیسی علیهم السلام ، را پذیرفته اند و عقیده دارند که آنها در آینده نیز زنده خواهند ماند.

بعلاوه کتابهای دینی آنان نشانگر آن است که برخی از افراد بشر در گذشته های دور مدّت درازی در بین مردم زیسته اند. به عنوان مثال آدم بنابر اعتقاد یهود که در تورات هم بدان اشاره شده ، ۹۳۰ سال عمر کرد. در این باره در تورات آمده است:

« تمام مدّت عمر آدم ۹۴۰ سال بود و آنگاه مرد ».

(سفر تکوین ، اصحاح پنجم ، آیه ۵)

شیت نیز بنابه تصریح تورات ۹۱۲ سال زیست:

« تمام مدت عمر شیت ۹۱۲ سال بود و آنگاه مرد ».

(سفر تکوین ، اصحاح پنجم ، آیه۸)

نوح نیز به اعتقاد آنها ۹۵۰ سال عمر کرد:

« تمام مدت عمر نوح ۹۵۰ سال بود و آنگاه مرد ».

(سفر تکوین ، اصحاح نهم ، آیه۲۹)

مسلمانان نیز بر این باورند که عیسی و خضر و الیاس زنده اند. یاد آوری این حقایق ما را از ذکر اسامی معمّرین بی نیاز می گرداند.

آیا امام مهدی زنده است ؟

در صفحات گذشته گفتیم که مذاهب اسلامی تقریباً بر قضیهٔ وجود مصلحی که به امر خدا در آخر الزمان قیام می کند و از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزند فاطمه علیه السلام است ، اتفاق نظر دارند. کتابهای آنان آکنده از احادیثی است که به تواتر برای اثبات این نکته وارد شده است. بعلاوه بسیاری از دانشمندان مسلمان کتابهایی در بارهٔ این موضوع بطور مشروح و مفصل نگاشته اند. البته ما منکر وجود عدهٔ دیگری از دانشمندان که با این عقیده مخالفند ، نیستیم. این عدّه در بارهٔ این احادیث می گویند:

حدیثهایی که دارای غرایب است پذیرفتنی نیستند. ولی احادیث وروایاتی که در رابطه با امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف عجیب و غریبتر از احادیثی که دربارهٔ امتهای گذشته و آنچه در زمان آنان رخ داده نیست.

در اینجا باید نکته ای را متذکّر شد و بدان پرداخت که مذاهب اسلامی در بارهٔ آن به اختلاف پرداخته اند.

آیا امام مهدی فعلاً زنده است یا اینکه در آینده به دنیا خواهد آمد ؟

پیش از آنکه وارد این بحث شویم بایـد این نکته را یاد آوری کنیم که هیـچ کـدام از مذاهب اسـلامی وجود امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف را انکار نکرده اند.

امّا تأویل روایاتی که در این باره وارد شده تنها یک علّت داشـته است و آن بعید شـمردن زنده بودن آن حضـرت از سال ۲۵۵ هجری تا کنون است.

در بـارهٔ زنـده بودن امـام مهـدی عجّل الله تعالی فرجه الشـریف دلایل و شواهـد فراوانی وجود دارد که ذیلاً به پاره ای از آنها اشاره می شود:

الف – احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ائمه اثنی عشر ، به تواتر نزدیک است و دانشمندان مسلمان بر صحت آنها و نیز ثقه بودن راویان آنها اجماع کرده اند. در زیر به برخی از این احادیث اشاره می کنیم:

۱ – از جابر بن سمره نقل است که گفت: شنیدم پیامبر اکرم می فرماید:

« پس از من دوازده امیر باشند... ».

آنگاه کلمه ای گفت که من نشنیدم. پدرم گفت: آن حضرت فرمود:

«... همهٔ آنها از قریش هستند ». (۱)

۲ – رسول خدا فرمود: « پس از من دوازده امیر باشند... ».

سپس چیزی فرمود که من نفهمیدم. از کسـی که پشت سـرم بود سؤال کردم. گفت: آن حضرت فرمود: «... همه آنها از قریش هستند ».

ترمذی گوید: این حدیث حسن و صحیح است. (۲)

۱- (۱) – صحیح بخاری ، جزء چهارم ، کتاب الاحکام ، ص۱۷۵ ، چاپ مصر سال ۱۳۵۵ ه

۲- (۲) – صحیح ترمذی ، جزء دوم ، باب ما جاء فی الخلفاء ، ص۴۵ ، چاپ دهلی نو سال ۱۳۴۲ ه

۳ - (جابر) گوید: با پدرم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتیم. شنیدم که آن حضرت می فرمود: « این امر پایان نیابد مگر اینکه دوازده خلیفه در بین آنها (مردم) بیایند... » جابر بن سمره گوید: سپس سخنی فرمود که بر من معلوم نشد. از پدرم پرسیدم: چه فرمود ؟ گفت: او فرمود: «...همه از قریش هستند ». (۱)

۴ - جابر بن سمره گوید: شنیدم از رسول خدا که می فرمود:

« این دین تا (روی کار آمدن) دوازده خلیفه همچنان ارجمند باقی می ماند. مردم تکبیر گفتند و فریاد کشیدند... ».

آنگاه سخنی آهسته بر زبان آورد. از پدرم پرسیدم: پدر ایشان چه فرمود ؟ گفت او فرمود: «...همه آنها از قریش هستند ». (۲)

۵ - جابر گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: « این امّت را دوازده خلیفه باشد ». (۳)

اگر احادیثی را که در نزد فریقین صحیح است و بر این نکته تصریح کرده اند که خلفا از قریش هستند ، به آن اخبار روایاتی که مکارم وفضایل اهل بیت را بیان می کنند و خاطر نشان می سازند که آنها مثل ستارگان ، زمینیان را حفظ و هدایت می کنند ، بیفزاییم ، و تمام آنها را به احادیثی

۱- ((۱)) - صحیح مسلم ، کتاب الاماره ، باب الناس تبع لقریش والخلافه من قریش ، ص ، ۱۹۱ ، ج۲ ق ۱.
۲- ((۲)) - صحیح ابی داوود ، ج۲ ، کتاب المهدی ، ص۲۰۷.
۳- ((۳)) - مسند احمد ، وی با این حدیث روایت دیگری را از جابر از ۳۴ طریق نقل کرده است.

اضافه کنیم که بیان می کنند کار دین و خلافت به آنان منتهی خواهد شد و اگر حتّی دو نفر در زمین باقی باشند آنها خواهند بود ، و نیز یافتیم که امام مهدی می بایست از آنها باشد و مهدیِ آنها ، آخرین ایشان است و اگر بدین احادیث روایتهایی را که از پیامبر اکرم نقل شده که فرموده است:

« آخرین این دوازده نفر قائم امّت و مهدی آن است » اضافه کنیم ، با شناخت تمام این احادیث ، می توان گفت: امام فعلاً وجود دارد چون دوازدهمین امام از ائمه علیهم السلام است. یازدهمین امام حضرت حسن عسکری بوده که به اجماع مورخان جز یک پسر از خود بر جای نگذاشته ، چنانکه در اخبار آمده است ، و این پسر همان مهدی است. بنابر این او باید زنده باشد.

ب – پیش از این گفتیم باید حجّتی دائم برای مردم باشد تا به مثابه یک حلقه مردم را با پروردگار مرتبط سازد. اگر این سخن ثابت شود ، حیات امام و وجود فعلی او به عنوان راهبری برای خلق نیز ثابت خواهد شد.

غیبت آن حضرت مستلزم آن نیست که از او سودی نباشد. چون او به طبیعت ارتباط غیبی خویش با خداوند توانا و دانا می تواند ، غیر مستقیم آنچه را که مصلحت می بیند محقق سازد. چنانچه خداوند قادر باشد تواناییهای شگرفی به فرشتگان مقرّب خود عطا کند و آنها را از شایستگیهای بزرگ بهره مند سازد ، بر این نیز توانا خواهد بود که به پیامبر یا جانشین او همچون امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف همین تواناییها وشایستگیها را عنایت فرماید.

اگر سنّت جاری خداوند در میان بندگان این گونه باشد که برای هر کار سببی قرار دهد و کارها را با اسباب آنها به جریان اندازد چه مانعی است از پذیرش تئوری سبب قرار دادن یکی از بندگان صالح و مطیع خدا و لو به صورت غیبی برای برخی از امور ؟ چنان که ما در بارهٔ امام حجّت علیه السلام همین عقیده را داریم.

از اینجا می توان دریافت که ایمان به امام غایب ، بخشی اساسی از ایمان به غیب به عنوان یک کلّ است و کسی نمی تواند ایمان خود را بخش بخش کند یعنی تسلیم غیب شود. امّا تأیید امام حجّت به غیب را انکار کند ، یا به پشتیبانی و تأیید فرشتگان از رسول خدا ایمان بیاورد امّا به ممکن بودن تأیید و پشتیبانی امام غایب از میان صالحان کفر بورزد.

مهدی ، حجّت شاهد

امام زمان علیه السلام با اجازه خداوند شاهد بر مردم است. شناخت مؤمنان از این حقیقت موجب می شود که آنها در نیکیها از یکدیگر سبقت گیرند و به سرور خویش اقتدا کنند و حیات خویش را نسخه ای از حیات سرور و ولی امر خود قرار دهند.

از آنجا که امام حجّت علیه السلام پیشوای زنده است و رهبری حقیقی از آن اوست ، بنابر این کسی جانشین اوست که بدو نزدیک تر باشد و بهتر به هدایت او اقتدا کند. از این رو آن حضرت به منزلهٔ میزان در انتخاب رهبری است و حتّی می تواند خط الهی را که صالحان بدان گرایش دارند از

خطوط پراکنده ای که راست و استوار نیستند ، جدا سازد.

امام در کتابهای آسمانی

با اینکه کتابهای فعلی آسمانی از تحریف در امان نمانده اند ، در آنها به پاره ای از حقایق بر می خوریم که اگر چه به تنهایی برای اثبات این واقعیت مفید واقع نمی شوند ، امّا می توانند برای احتجاج با کسانی که به همان آیین مؤمن هستند مؤثر باشند آنچه در سطور بعد می آید قسمتهایی از کتابهای آسمانی در بارهٔ امام مهدی علیه السلام است:

۱ - « صدیقان زمین را تا ابد وارث گردند »

(کتاب مزامیر ، مزمور سی و هفتم)

بعلاوه این کتابها جزئیات بسیاری را در بارهٔ اوضاع آخر الزمان در بردارند که مؤید مطالبی هستند که در احادیث مسلمانان یاد شده است.

سپس می گوید: « امّا اشرار همگی نابود می شوند ».

۲ - « وای بر امّت خطا کار ، مردم گرانبار گنهکار ، تبار بد کنندگان ، فرزندان مفسدان ، پروردگار را وانهادند... ».

تا آنجا که می گوید: «... سر زمین شما را غریبان پیشاروی شما می خوردند و آن همچون واژگونی بیگانگان ویران گردیده است. پس از این به دیار عدل و شهر امن مسمّی خواهی شد ».

(کتاب اشعیاء ، اصحاح اوّل)

۳ - پس پرچمی برای امّتهای بعید بر افرازد. برای آنها از نقطهٔ دور

ص:۳۶

دست زمین بانگ می زند. آنها ناگهان با عجله می آیند در حالی که میانشان نه وامانده ای است و نه افتاده ای ».

(اصحاح پنجم)

«تا آنکه شهرها ویران و بی سکنه و خانه ها بی مردم شوند. زمین ویران و خراب گردد و خداوند انسانها را دور گرداند و خرابی در زمین فزونی گیرد و اگر در آن زندگی باقی می ماند ، پس آن نیز ویران میشود و مثل چنار و بلوط که چون بریده شوند ، کندهٔ آنها باقی می ماند ، کندهٔ آن ذرّیت مقدس خواهد بود ».

(کتاب اشعیاء ، اصحاح ششم)

۴ - خدای آسمان مملکتی را بر پای می دارد که هرگز منقرض نمی شود و پادشاهی آن به مردم دیگر واگذار نمی شود. تمام این ممالک نیست و نابود می شوند امّا این مملکت تا ابد پا بر جا می ماند ».

«...خوشا آنکه منتظر ماند ».

(کتاب حجار - اصحاح دوّم)

۵ - « پروردگار سپاهیان گفت. این بار پس از اندکی آسمانها و زمین و دریا و خشکی را می گردانم و تمام امّتها را به لرزه در می آورم. و پس از آن تمام امّتها می آیند و این خانه را پر می کنند ».

(کتاب حجّی ، اصحاح دوّم)

۶ - « در تمام زمین پروردگار می فرماید: دو سوّم نابود می شوند و می میرند و یک سوّم در زمین می مانند. یک سوّم را وارد آتش کنم

و چون گداختن و پاک شدن نقره ، پاکشان کنم و آنها را مثل زر مصفّایشان سازم. او اسم مرا می خواند و من پاسخش می گویم. گویم او قوم من است و او گوید: پروردگار معبود من است ». (۱)

(کتاب زکریا ، اصحاح سیزدهم)

۷ - « یسوع ، همینکه از پیش شما به سوی آسمان صعود کرد ، به سوی شما باز خواهد گشت ، همان گونه که دیدید به آسمان روانه شد ». (۲)

(کتاب اعمال رسولان ، انجیل ، اصحاح اوّل)

۸ - « وچنانچه رفتم و برای شما جایگاهی مهیا ساختم دو باره باز می گردم ».

(انجیل یوحنا ، اصحاح چهاردهم)

۹ - « چون او پس از اندک زمانی بر می گردد و تأخیر نخواهد کرد ».

(اصحاح دهم از نامه ای که خطاب به عبرانیان بوده است)

۱۰ - « خداوند نشسته است تا ابد الآباد و تخت خویش را برای داوری بر پاداشته است و او ربع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد و امّتها را به راستی داد خواهد داد » سپس می گوید:

« و آن که نزد شماست به چنگ آویزید تا بیاید آن که غلبه می کند

۱- (۱)) - در بسیاری از احادیث اهل بیت آمده است که دو سوّم زمینیان می میرند و یک سوّم دیگر باقی می مانند و سخت پاک و خالص می شوند.

۲- (۲)) - روایات دینی ما از رجوع عیسی علیه السلام با مهدی سخن می گویند کاملاً شبیه آنچه در این کتاب آمده است.

و اعمـال مرا تـا پایـان محـافظت می نمایـد. پس بـدو قـدرتی بر امّتها عطا خواهم کرد و او آن را به میله ای آهنین پاس خواهد داشت ، همچنان کاسه ای از سـفال را خواهد شـکست و بدو ستارهٔ صبح را عطا خواهم کرد ، هر که را گوش است باید آنچه را که روح به کینه ها می گوید ، بشنود ».

۱۱ - « امّا کسی به آن روز و آن ساعت علم ندارد ».

(انجیل متّی ، اصحاح بیست وچهارم)

- نگارنـده برگزیـده هایی که از عهـدین (انجیل و تورات) نقل کرد ، شـرحی ننوشت چون می بیند آنها با اندکی اختلاف با مضامینی که در احادیث صحیح اسلامی دربارهٔ علایم ظهور و نشانه های دولت حق آمده است. مطابقت دارد -

امّا زرتشتیان آنان نیز معتقد به رجوع انسانی به نام « بهرام » هستند.

معنی بهرام نیز با مهدی تفاوت چندانی ندارد.

برهماییها هم بنابر ادعای خود معتقد به ظهور « کریشنا » هستند.

شواهد و دلایل بسـیاری در دست است ، مبنی بر آنکه عدّه ای از پیامبران و صالحان با امام مهدی علیه السـلام همراهند تا حق را بر تمام زمین آشکار کنند و چه بسا بهرام و کریشناهم در زمرهٔ همین صالحان باشند که ما نام آنها را نمی دانیم.

ظهور امام زمان در نزد ائمه علیهم السلام « قیامت صغری » قلمداد می گردد چون از هر امّت ، شاهدی بر انگیخته می شود.

نشانه های ظهور

در این بخش از برخی نشانه ها که پیش از ظهور حضرت قائم علیه السلام تحقق می یابد ، سخن می گوییم. نشانه هائی همچون فراگیر شدن فساد و ستم در تمام زمین و گسترش فحشا و گردنکشی و دگرگونیهای آسمانی و قحط شدید و جنگهای خونین که دو سوّم از ساکنان روی زمین را در کام خود فرو می برد ، و ظهور کسی که دجال خوانده می شود و مردم را به باطل دعوت می کند و آنها نیز به گرد وی جمع می شوند و بالاخره ادعای بعضی که می گویند او مصلح اکبر است و سپس نا کامی او در متحقّق ساختن مدعایش. مادر ذکر این نشانه ها به استناد روایاتی که از پیامبر گرامی و ائمه اطهار علیهم السلام تکیه می کنیم.

۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

« مهدی این امّت از ماست ، هنگامی که هرج و مرج دنیا را فراگیر و فتنه ها آشکار گردند و راهها نا امن شود و برخی از مردم بر برخی دیگر هجوم برند. پس بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک بزرگ را احترام نکند در این هنگام خداوند مهدی ما را مبعوث فرماید. او نهمین کس از

فرزنـدان حسـین علیه السـلام است. دژهای ضـلالت و دلهای بی خبر را بگشاید ، در آخر الزمان به کار دین پردازد چنانکه من در اوّل الزمان بدان پرداختم ، زمین را از عدل و داد پر کند ، چنانکه از ظلم و بیداد پر شده باشد ».

۲ - همچنین پیامبر گرامی در حدیثی طولانی که آن را امام علی علیه السلام نقل کرده است. فرمود: « سپس ندایی بر خیزد که از دور شـنیده شود چنانکه از نزدیک شـنیده می شود این نـدا رحمت است بر مؤمنان و عـذاب است بر کافران. (امام گوید): پرسیدم: این نـدا چیست ؟ فرمود: سه نـداست در ماه رجب نخستین آنها این است: لعنت خدا بر سـتمگران. و دوّمی این است: نزدیک شونـده نزدیک شـد و سوّمی این است: پیکرِ آشـکاری را با طلیعه خورشـید می بیننـد (که می گوید): هان که فلانی مبعوث شـد و نسب او را تـا علی ذکر می کنـد. هلاـک سـتمگران در این روز است و در این هنگام گشایش حاصل می شود. عرض کردم: ای رسول خدا ! پس از من چند امام خواهد بود ؟ فرمود صلی الله علیه و آله: پس از حسین ۹ امام که نهمین آنان قائم ایشان است ». (۱)

۳ - در حـدیث دیگری از رسول خدا صـلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: عرض کردم ای خدای من و سـرورم ! چه وقت مهدی ظهور خواهد کرد ؟

خداوند وحی فرمود:

« این امر هنگامی روی دهـد که علم کنار رود و جهل آشـکار گردد ، قاریان (قرآن) فزون شونـد و عمل به آن انـدک شود. کشتار زیاد شود

۱- (۱)) - منظور امام منتظر « عجل اللّه تعالی فرجه الشریف » است.

و فقیهان هدایتگر کم شوند ، و فقیهان گمراه و خائنان زیاد شوند ، شاعران فراوان گردند ، امّت تو قبرهایشان را مسجد گیرند. (۱) ، مصحفها و مسجدها زیور و زینت داده شوند ، ستم و تباهی فزونی گیرد ، نیرنگ آشکار شود و کار امّت بدان وابسته باشد ، نهی از معروف شود ، و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا ورزند ، امیران کافر باشند و دوستانشان فاجر و یارانشان ستمگر ، و صاحبنظرانشان فاسقان. در این هنگام سه نشانه پدید خواهد آمد. خسوفی در مشرق و خسوفی در مغرب و خسوفی در جزیره العرب. و نیز در بصره به دست یکی از افراد نسل تو که زنگیان او را پیروی می کنند ، خرابی پدید آید. و مردی از تبار حسین بن علی خروج می کند ، و دجال ظاهر می شود ، از مشرق از سجستان ، خروج می کند و سفیانی ظاهر می شود ».

۴ - آن حضرت در حدیثی در این باره نیز می فرماید:

« به خاطر داشته باش... علامت ظهور حجّت این است که چون مردم نماز را میراندند وامانت را ضایع کردند ودروغ را روا شمردند وربا خوردند و رشوه ستاندند و ساختمانها را محکم ساختند و دین را به دنیا فروختند ، سفیهان و نابخردان را به کار گرفتند و با زنان رایزنی کردند ، پیوندهای خویش را قطع کردند ، پیرو هواها شدند ، و خونها را کوچک شمردند...

۱- (۱)) - مقصود عبادت اشخاص است که شرک به خداست و ربطی به تقرّب به خدا از طریق توسّل به قبور صالحان که سنّت اسلام و مسلمین از آغاز بر آن است ، ندارد ، همچنین مقصود از زیور و زینت دادن مصحفها و مساجد این است که مسلمان به هنگام ظهور تنها به مظاهر توجّه دارند نه به حقایق و محتواها.

...حلم ، ضعف باشد و ستمگری فخر ، امیران فاجر باشند و وزیران ستمگر ، کار گزاران قوم خائنان باشند و قاریان فاسقان ، گواهی بنا حق آشکار گردد و گناه و تباهی و بهتان و گناه و طغیان فزونی پذیرد ، و مصحفها و مسجدها زینت و زیور داده شوند و مناره ها بلند ساخته شوند ، و اشرار قدردانی شوند ، وصف بندیهای بسیاری می شود ، تمایلات مختلف شوند ، و پیمانها زیر پا نهاده شوند ، و آنچه وعده داده شده نزدیک شود ، زنان به خاطر حرص به دنیا با شوهرانشان در تجارت مشارکت کنند ، و بانگ فاسقان بلندی گیرد ، و سخن آنان اطاعت شود ، و رهبر قوم پست ترین آنها باشد ، و از ترس شرّ گنهکار از او بترسند و پرهیز کنند ، و دروغگو را تصدیق نمایند و خائن را امین شمارند ، و اسباب وآلات موسیقی فراهم کنند ، و آخر این امّت اوّل آن را نفرین فرستد ، زنان خود را همانند مردان سازند و مردان به زنان همانند شوند ، و شاهد ، بی آنکه از او شهادتی خواسته باشند گواهی دهد ، و برای غیر دین به تفقه بپردازد ، و کار دنیا بر آخرت ترجیح داده شود ، و پوست میش بر گرگها بپوشانند حال آنکه دلهایشان بوینا‌ك تر از مردار باشد ، در این هنگام است الوحی الوحی ، العجل العجل. در آن روز بهترین خانه ها بیت المقدس خواهد بود و بر مردم زمانی خواهد آمد که هر کس آرزو می کند ، ای کاش او هم یکی از ساکنان بیت المقدّس بود ».

۵ - آن حضرت همچنین در این باره فرمود:

« خروج قائم را ده علامت باشد ، نخستین آنها شکافتن پرچمها در کوچه های کوفه ، و تعطیل مسجدها ، و نرفتن حاجیان به حجّ ، و خسف

و قذف در خراسان ، و طلوع ستارهٔ دنباله دار ، و نزدیک شدن ستارگان ، و هرج و مرج ، وقتل و غارت. اینها ده نشانه اند. از یک نشانه تا نشانهٔ دیگر شگفتی است. پس چون نشانه ها تمام و کامل گردند قائم ما قیام خواهد کرد ».

۶ – امام حسین علیه السلام فرمود:

□

« چون دیدید منادی از مشرق سه یا هفت روز ندا در داد ، منتظر فرج آل محمّد صلی الله علیه و آله باشید ان شاء اللّه منادی از آسمان به نام مهدی بانگ می زند. ندای او از مشرق و مغرب شنیده می شود و هیچ کس خواب نمی ماند جز اینکه بیدار می شود و هیچ کس ایستاده نیست مگر اینکه می نشیند و کسی ننشسته جز آنکه هراسان به پا بر می خیزد. پس خدا بیامرزد کسی را که این صدا را بشنود و آن را پاسخ گوید. زیرا صدای اوّل ، صدای جبرئیل روح الامین است ».

۷ – در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

« سلمان ! سوگند به آن که جانم به دست اوست هنگام ظهور چیزی از مشرق و چیزی از مغرب آورده شود. پس وای بر ناتوانانِ امّتم از شرّ آنها و وای بر ایشان از عذاب خدا. به کوچک رحم نمی کنند و بزرگ را پاس نمی دارند و از گنهکار جلوگیری نمی کنند ، کالبدشان کالبد آدمیان است و دلهایشان دلهای شیاطین... ».

سپس فرمود:

«... اندکی نمی پاید تا آنکه زمین از بسیاری باریدن باران بر آن (گل) و سُست می شود همه خیال می کنند این امر حادثه ای است مربوط به همان

ناحیهٔ خودشـان. پس در میـان مردم خویش درنـگ می کننـد و زمین پاره های جگر خویش را به سوی آنان پرتاب می کنـد. فرمود: یعنی طلا و نقره را. سپس با دست خویش به ستونها اشاره فرمود و گفت: مثل این.

در این روزنه طلا سود می بخشد و نه سیم و این معنی قول خداوند که فرمود: « همانا نشانه های آن فرا رسید ». (۱)

۸ – از امام عسکری علیه السلام نقل است که فرمود:

« مهـدی ظـاهر نشود مگر بر ترس شدیـد و زمین لرزه و فتنه ای که به مردم می رسـد وپیش از این طاعون است وشمشـیری که جـدا کنندهٔ میان عرب است ، و (در گرفتن) اختلاف شدید بین مردم ، و پراکندگی در دینشان و دگرگونی در حالشان ، (تا آنجا که) فرد هر بام و شام به خاطر ستیزه گیریهای مردم و خوردن آنها (حق) یکدیگر را تمنای مردن می کند.

خروج او (مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشـریف) موقعی است که (مردم) از گشایش ، نا امید و مأیوس باشـند. پس خوشا به حال آن که مهدی را درک کرد و از یارانش شد و وای و بس وای بر آن که با او و فرمانش راه مخالفت پیشه کرد ». (۲)

۹ – از امام صادق علیه السـلام نقل است که فرمود: « پیش از قیام قائم پنـج نشانه باشد: یمانی ، سـفیانی ، منادی که از آسـمان ندا می دهد ، خسف در بیداء ، و کشته شدن نفس زکیه. فرمود: بین (قیام) قائم آل محمّد و کشته شدن نفس زکیه جز پانزده روز فاصله نباشد ». (۳)۱

ص:۴۵

۱– ((۱)) – منتخب الاثر ، ص۴۳۴.

۲– ((۲)) – منتخب الاثر ، ص۴۳۴.

۳– ((۳)) – همان ، ص۳۴۹.

همان امام علیه السلام در حدیث دیگری فرماید:

« پنج روز اوّل از ماه رمضان ، پیش از قیام قائم ، خورشید می گیرد ». (۱)

علاوه بر آنچه گفته شد نشانه های بسیار دیگری نیز ذکر شده که به خاطر وجود تشابه میان آنها و روایاتی که بیان گردید ، به همین مقدار بسنده کردیم. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمود:

« کوفه از وجود مؤمنان خالی خواهد شد ، علم و دانش از آن رخت بربسته و نهان شود چنانکه مار در سوراخش پنهان می گردد ، سپس علم و دانش در دیاری که قم نامیده می شود آشکار می شود و این شهر ، معدن علم و فضل می گردد تا زمانی که در زمین مستضعفی در دین باقی نماند حتّی دو شیزگان پشت پرده. این امر صورت نمی گیرد مگر هنگام نزدیك شدن ظهور قائم ما. پس خداوند (قم) و مردم آن را قائم مقام حجّت قرار می دهد و اگر چنین نمی بود زمین ، اهلش را در کام خود فرو می برد. و در زمین حجّتی نمی ماند تا علم از او به دیگر سرزمینها در مشرق و مغرب سرازیر شود و بدین وسیله حجّت خدا بر خلق تمام گردد تا آنکه کسی بر زمین نمی ماند که دین و علم بدو نرسیده باشد. سپس قائم ظاهر می شود و سبب کیفر خداوند و خشم وی بر بندگان می شود. زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر پس از وقتی که حجّت او را منکر شوند ». (۲)

۱- ((۱)) - منتخب الاثر ، ص۳۴۹.

۲- ((۲)) - همان مأخذ ، ص۴۴۳. به نقل از بحار الانوار.

زمزمه های شکوهمند امید و انتظار

۱ – تو پناه منی

...لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صِدْقاً صِدْقاً ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّداً وَرِقّاً.

اللّهُمَّ مُعِزَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَحيدٍ ، وَمُذِلَّ كُلَّ جَبّارٍ عَنيدٍ ، أَنْتَ كَنَفى حينَ تَعْيينى الْمَذاهِبُ، وَتَضيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ.

«به حقیقت ، به حقیقت که هیـچ معبودی جز خـدای یگانه نیست ، و براستی ، براستی هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست ، از روی تعبّد و بندگی جز خدای یکتا هیچ معبودی نیست ».

« خدایا ! ای عزّت بخش هر مؤمن تنها ، و ای خوار کنندهٔ هر سـتمگر ستیزه جو ، تو پناه منی هنگامی که راههای گوناگون مرا فرسودند و زمین با همهٔ فراخی اش بر من تنگ آمد ».

اللّهُمَّ خَلَقْتَنى وَقَدْ كُنْتُ غَنِيّاً عَنْ خَلْق ، وَلَوْلا نَصْرُكَ إِيّاى لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبينَ ، يا مُنْشِرَ الرَّحْمَهِ مِنْ مَواضِعها ، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَهِ مِنْ مَعادِنِها ، وَيا مَنْ خَصَّ مِنْ نَفْسِهِ بِشُمُوخِ الرِّفْعَهِ ، فَاَوْلِياؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ ، وَيا مَنْ

ص:۴۷

وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نیرَ الْمَذَلَّهِ عَلیٰ اعْناقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ ، اسْأَلُکَ بِإِسْمِکَ الَّذی فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَکَ فَکَلَّ لَکَ مُذْعِنُونَ أَسْأَلَکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَعَلیٰ آلِ مُحَمَّدٍ.

«خدایا ! مرا بیافریدی حال آنکه از خلقت من بی نیاز بودی ، و اگر یاری دادنت به من نمی بود من از شکست خوردگان می بودم. ای کسی که رحمت را از جایگاهش می گسترانی ، و برکتها را از معدنهایش برون می کنی. ای کسی که از نفس خویش رفعت و بلندی را ویژه می گرداند ، پس اولیایش به عزّت او سرفرازی می جویند ، ای کسی که پادشاهان برایش یوغ خواری برگردنهایشان می نهند و از خشم و قدرت او هراسانند ، از تو می خواهم به نامت که مخلوقات را بدان بیامرزیدی ، پس همه برای تو فروتن و خوارند ، از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی ».

وَأَنْ تَنْجزَ لی أَمْری ، وَتُعَجِّلَ لِیَ الْفَرَجَ ، وَتَکْفِنی وَتُعافینی ، وَتَقْضی حَوائِجی ، السّاعَهَ السّاعَهَ ، اللَّیْلَهَ اللَّیْلَهَ، إِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٍ.

«و کار مرا محقّق فرمایی و در گشایش برای من تعجیل بورزی و مرا یاری دهی و عافیتم ارزانی فرمایی. نیازهایم را بر آورده سازی همین ساعت همین ساعت و همین شب همین شب که تو بر هر چیز توانایی ». (۱)

ص:۴۸

۱- (۱)) - الامام المهدی ، ص۲۳۶. از دعای آن حضرت برای رفع حوایج.

۲ – ستایش برای توست

اللّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُکَ فَالْمَحْمَدَهَ لَکَ ، وَإِنْ عَصَیْتُکَ فَالْحُجَّهُ لَکَ. مِنْکَ الرَّوحُ ، وَمِنْکَ الْفَرَجُ، سُبْحانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَکَرَ، سُبْحانَ مَنْ قَدِرَ وَغَفَرَ. اللّهُمَّ إِنْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُکَ فَإِنّی قَدْ أَطَعْتُکَ فی أَحَبِّ الْأَشْیاءِ إِلَیْکَ وَهُوَ الْایمانُ بِکَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَکَ وَلَداً ، وَلَمْ أَدْعُ لَکَ شَریکاً ، مِنّاً بِهِ عَلَیَّ ، لا مَنّاً مِنّی بِهِ عَلَیْکَ ، وَقَدْ عَصَیْتُکَ یا إِلهی عَلی غَیْرِ وَجْهِ الْمُکابَرَهِ ، وَلا الْخُرُوجُ عَنْ عُبُودِیَّتِکَ ، وَلا الْجُحُودُ لِرُبُوبِیَّتِکَ ، وَلکِنْ أَطَعْتُ هَو ایَ وَازَلَّنِی الشَّیْطانُ فَلَکَ الْحُجَّهِ عَلَیَّ وَالْبَیانِ.

«خدایا ! اگر تو را فرمان بردم پس ستایش از آنِ توست و اگر تو را نا فرمانی کردم ، حجّت ازآن تو است ، از توست روح و از توست گشایش و فرج ، منزّه است آن که نعمت داد و سپاس گزارد ، پیراسته است آن که قدرت یافت و آمرزید. خدایا ! اگر تو را نافرمانی کرده بودم پس تو را در محبوب ترین چیزها به درگاهت که همان ایمان به توست ، اطاعت کردم ، برای تو فرزندی نگرفتم و شریکی برای تو ادعا نکردم و این منّتی است به واسطهٔ ایمان ، از تو بر من ، نه منّتی بدان از سوی من بر تو. خداوندا تو را معصیّت کردم امّا نه از روی گردنکشی و نه از روی خروج از بند بندگی ، و نه از روی انکار به ربوبیت تو ، لیکن هوای خویش را فرمان بردم و شیطان مرا گمراه ساخت ، پس حجّت و بیان از آنِ توست بر من ». (۱)

ص:۴۹

۱- (۱)) – الامام المهدی ، ص ۲۴۰ – ۲۴۵.

۳ – خدایا! یاری کن..

اللّهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ ، وَبَرِحَ الْخَفاءُ ، وَانْكَشَفَ الْغِطاءُ ، وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ ، وَضاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّماءُ، وأَنْتَ الْمُسْتَعانُ وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِی الشِّدَّهِ وَالرَّخاءِ.

«خدایا سختی گران شد ، وکار روشن گشت ، و پرده فرو افتاد ، و امید قطع شد ، و زمین تنگ گردید ، و آسمان باز داشته شد ، و تویی یاری گرفته شده ، و به درگاه توست شکایت ، و در شدّت و راحت تکیه بر توست ». (۱)

۴ – خدایا ما را هدایت کن..

اللّهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفيقَ الطّاعَهِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَهِ ، وَصِدْقَ النِّيَّهِ ، وَعِرْفانَ الْحُرْمَهِ ، وَاَكْرِمْنا بِالْهُدى وَالاسْتِقامَهِ ، وَسَدِّدْ الْسِنَتَنا بِالصَّوابِ وَالْحِكْمَهِ ، وَامْلَاْ قُلوبَنا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَهِ ، وَطَهِّرْ بُطونَنا مِنَ الْحَرامِ وَالشُّبْهَهِ ، وَاكْفُفْ ايْدِيَنا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَهِ ، وَاغْضُضْ ابْصارَنا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيانَهِ ، وَاسْدُدْ اسْماعَنا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغيبَهِ ، وَتَفَضَّلْ عَلى عُلَمائِنا بِالزُّهْدِ وَالنَّصيحَهِ ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَهِ ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعينَ بِالْإِتِّباعِ وَالْمَوْعِظَهِ ، وَعَلى مَرْضَى الْمُسْلِمينَ بِالشِّفاءِ وَالرّاحَهِ ، وَعَلى مَوْتاهُمْ بِالرَّأْفَهِ وَالرَّحْمَهِ ،

۱– (۱)) – الامام المهدی ، ص ۲۴۰ – ۲۴۵.

وَعَلی مَشایِخِنا بِالْوَقارِ وَالسَّکینَهِ ، وَعَلَی الشَّبابِ بِالْإِنابَهِ وَالتَّوْبَهِ ، وَعَلَی النِّساءِ بِالْحَیاءِ وَالْعِفَّهِ ، وَعَلَی الْأَغْنِیاءِ بِالتَّواضُعِ وَالسَّعَهِ ، وَعَلَی الْفُقَراءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَناعَهِ ، وعَلَی الْغُزاهِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَهِ ، وَعَلَی الْأُسَراءِ بِالْخَلاصِ وَالرّاحَهِ ، وَعَلَی الْأُمَراءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَهِ ، وَعَلَی الرَّعِیَّهِ بِالْإِنْصافِ وَحُسْنِ السّیرَهِ ، وَبارِکْ لِلْحُجّاجِ وَالزُّوّارِ فِی الزّادِ وَالنَّفَقَهِ ، وَاقْضِ ما اوْجَبْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَهِ بِفَضْلِکَ وَرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ.

«خداوندا! به ما توفیق طاعت و دوری از گناه و صدق نیّت و شناخت حرمت روزی فرما و به هدایت و استقامت مکرّم بدار ، و زبانهای ما را به گفتن صواب و حکمت استوار گردان ، و دلهای ما را به علم و معرفت سرشار کن ، و شکمهای ما را از حرام و شبهه پاک فرما ، و دستان ما را از ستم و دزدی باز دار ، و چشمان ما را از گناهان و خیانت فرو بند ، و گوشهای ما را از شنیدن گفتار بیهوده و غیبت ببند ، و زهد و خیر خواهی بر علمای ما ، وتلاش و رغبت بر دانش اندوزان ، و پیروی و موعظت بر شنوندگان ، وشفا و راحت بر بیماران مسلمین ، و رأفت و رحمت بر مردگانشان ، و وقار و آرامش بر پیرانشان ، وبازگشت و توبه بر جوانان ، و حیا و عفت بر زنان ، وتواضع و گشاده دستی بر توانگران ، و صبر و قناعت بر تهیدستان ، و یاری و پیروزی بر جنگجویان ، رهایی و راحت بر اسیران ، و عدل و مهربانی بر فرمانروایان ، و انصاف و خوشرفتاری بر مردم ارزانی فرما ، و برای حاجّیان وزایران در توشه و نفقه برکت قرار ده ، و آنچه که از حج و عمره بر ایشان واجب کردی به جای آر به فضل

و رحمتت ای مهربان ترین مهربان ». (۱)

۵ – شرط زاهد

اللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی ما جَری بِهِ قَضآئُکَ فی اوْلِیآئِکَ الَّذینَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَدینِکَ ؛ اذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزیلَ ما عِنْدَکَ مِنَ النَّعیمِ الْمُقیمِ الَّذی لا زَو الَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ بَعْدَ انْ شَرَطْتَ عَلَیْهِمُ الزُّهْدَ فی دَرَجاتِ هٰذِهِ الدُّنْیا الدَّنِیَّهِ وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها فَشَرَطُوا لَکَ ذلِکَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفآءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّکْرَ الْعَلِیَّ وَالثَّنآءَ الْجَلِیَّ، وَاَهْبَطْتَ عَلَیْهِمْ مَلائِکَتَکَ، وَکَرَّمْتَهُمْ بِوَحْیِکَ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِکَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّریعَهَ الَیْکَ وَالْوَسیلَهَ الی رِضْوانِکَ، فَبَعْضٌ اسْکَنْتَهُ جَنَّتَکَ الی انْ اخْرَجْتَهُ مِنْها، وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فی فُلْکِکَ، وَنَجَّیْتَهُ وَمَنْ امَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَکَهِ بِرَحْمَتِکَ، وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِکَ خَلیلاً، وَسَأَلَکَ لِسانَ صِدْقٍ فِی الْاخِرینَ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذلِکَ عَلِیّاً، وَبَعْضٌ کَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَهٍ تَکْلیماً، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اخیهِ رِدْءاً وَوَزیراً، وَبَعْضٌ اوْلَدْتَهُ مِنْ غَیْرِ ابٍ، وَآتَیْتَهُ الْبَیِّناتِ، وَاَیَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَکُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَریعَهً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً، وَتَخَیَّرْتَ لَهُ اوْصِیآءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّهٍ الی مُدَّهٍ، اقامَهً لِدینِکَ، وَحُجَّهً عَلی عِبادِکَ، وَلِئَلّا یَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَیَغْلِبَ الْباطِلُ عَلی اهْلِهِ وَلا یَقُولَ احَدٌ لَوْلا ارْسَلْتَ الَیْنا رَسُولاً مُنْذِراً، وَاَقَمْتَ

ص:۵۲

۱- ((۱)) – الامام المهدی ، ص۲۴۶ ، در بلد الامین ، ص ۵۲۱.

لَنا عَلَماً هادِياً فَنَتَّبِعَ آیاتِکَ مِنْ قَبْلِ انْ نَذِلَّ وَنَخْزی

خـدایا ! سپاس و ستایش از آن تـوست بر آنچـه کـه در بـارهٔ اولیـای خـویش تقـدیر فرمـودی. کسـانی که برای خـود ودینت مخصوص کردی، چون نعیم باقی وبی زوال ابدی را که نزد توست برای ایشان اختیار کردی ، پس از آنکه زهد در دنیای دون و زیور و زینت آن را با آنان شـرط نمودی و آنها هم به این شـرط متعهد شدند و تو دانستی که اینان به عهد خود پای بندند ، پس ایشان را پذیرفتی و نزدیکشان ساختی و علوّ ذکر و ثنای آشکار عنایت فرمودی و فرشتگانت را بر ایشان فرود آوردی و به وحی خود بزرگیشان دادی و از دانش خویش سـیرابشان ساختی و آنها را واسـطه و وسـیلهٔ ورود به بهشت گردانیدی ، یکی را در بهشت مسکن دادی تا اینکه از آنجا برونش آوردی ، و دیگری را در کشتی ات سوار کردی و به رحمت خویش با کسانی که بـدو ایمان آورده انـد از مرگ نجاتش بخشـیدی ، ویکی را برای خویش دوست گرفتی و او زبان راستی را در امم آخر از تو خواست و تو تقاضـایش را اجـابت کردی و او را به جایگـاه والاـ رسانیـدی ، و با یکی از (بوسـیله) درخت سـخن گفتی و برای او برادرش را مـدافع و وزیر قرار دادی ، و یکی را بی آنکه پدری داشـته باشد به دنیا آوردی و بدو بیّنات دادی و با روح القـدس مؤیـدش داشتی و برای هر یک شـریعت و آئینی قرار دادی و جانشـینانی برگزیـدی تا هر یک پس از دیگری حافظ و نگاهبان دین تو ، و بر بنـدگان تو حجّت باشـند از مـدّتی تا مـدّت دیگر و برای آنکه حق از قرارگاهش خارج نشود و باطل بر اهل حق چیرگی نیاورد و کسی

ص:۵۳

نگویـد چرا بیم دهنـده ای به سوی ما نفرسـتادی و برای ما درفشـی هـدایتگر بر نیفراختی تا پیش از آنکه ذلیل و خوار شویم از نشانه های تو پیروی کنیم ». (۱)

۶ – برگزیده در پیمان

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ ، وَخاتَم النَّبِیّینَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ ، الْمُنْتَجَبِ فِی الْمیثاقِ الْمُصْطَفی فِی الظِّلالِ ، الْمُطَهَّرِ مِنْ کُلِّ آفهٍ ، الْبَرِیَ مِنْ کُلِّ عَیْبٍ ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاهِ ، الْمُرْتَجی لِلشَّفاعَهِ ، الْمُفَوَّضِ الَیْهِ دینُ اللّهِ. اللّهُمَّ شَرِّفْ بُنْیانَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهانَهُ ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ ، وَارْفَعْ دَرجَتَهُ ، وَاَضِیْ ءْ نُورَهُ ، وَبَیِّضْ وَجْهَهُ ، وَاَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضیلَه ، وَالْمَنْزِلَهَ وَالْوَسیلَهَ ، وَالدَّرَجَهَ الرَّفیعَهَ ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مُحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ

«بـار خـدایا ! بر محمّـد سـرور فرسـتادگان و خاتم پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست ، او که در پیمان برگزیـده است و در سایه ها منتخب ، پاک از هر آفت ، و به دور از هر عیب است ، برای رهایی بدو آرزو برند وبرای شـفاعت بدو امید بندند ،کسی که دین خدا بدو تفویض شده است. خدایا !بنیان او را شرافت بخش و برهانش را والایی ده و حجّتش را پیروزی عطا کن و مرتبه اش را بلندی ده و نورش را درخشان

۱- (۱)) – تحفه الزائر ، فی ادب زیارته علیه السلام.

ساز و سیمایش را سپید و نورانی گردان و بدو فضل و فضیلت و منزلت و وسیلت و درجهٔ والا عطا کن و او را به جایگاه پسندیده بر انگیز تا مورد غبطهٔ اوّلین و آخرین واقع شود ». (۱)

۷ – خدایا به حمد تو آغاز ستایش می کنم

اللّهُمَّ إنِّی أَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِکَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّکَ ، وَأَیْقَنْتُ أَنَّکَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ فِی مَوْضِعِ العَفْوِ وَالرَّحْمَهِ ، وَأَشَدُّ المُعاقِبِینَ فِی مَوْضِعِ النَّکالِ وَالنَّقِمَهِ ، وَأَعْظَمُ المُتَجَبِّرِینَ فِی مَوْضِعِ الکِبْرِیاءِ وَالعَظَمَهِ. اللّهُمَّ أَذِنْتَ لِی فِی دُعائِکَ وَمَسْأَلَتِکَ ، فَاسْمَعْ یا سَمِیعُ مِدْحَتِی ، وَأَجِبْ یا رَحِیمُ دَعْوَتِی ، وَأَقِلْ یا غَفُورُ عَثْرَتِی...

الحَمْدُ لِلّهِ مالِکِ المُلْکِ ، مُجْرِی الفُلْکِ ، مُسَخِّرِ الرِّیاحِ ، فالِقِ الإِصْباحِ ، دَیَّانِ الدِّینِ ، رَبِّ العالَمِینَ. الحَمْدُ لِلّهِ عَلَی حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ ، وَالحَمْدُ لِلّهِ عَلَی عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ ، وَالحَمْدُ لِلّهِ عَلَی طُولِ أَناتِهِ فِی غَضَبِهِ وَهُوَ قادِرٌ عَلَی ما یُرِیدُ.

الحَمْدُ لِلّهِ خالِقِ الخَلْقِ ، باسِطِ الرِّزْقِ ، فالِقِ الإِصْباحِ ، ذِی الجَلالِ وَالإِکْرامِ وَالفَضْلِ وَالإِنْعامِ الَّذِی بَعُدَ فَلا یُرَی ، وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَی ،

الحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی یُؤْمِنُ الخائِفِینَ ، وَیُنَجِّی الصَّالِحِینَ ، وَیَرْفَعُ المُسْتَضْعَفِینَ ، وَیَضَعُ المُسْتَکْبِرِینَ ، وَیُهْلِکُ مُلُوکاً وَیَسْتَخْلِفُ آخَرِینَ؛ وَالحَمْدُ لِلّهِ قاصِمِ

ص:۵۵

۱- (۱) – تحفه الزائر ، فی ادب زیارته علیه السلام.

الجَبّارِينَ ، مُبيرُ الظّالِمِينَ ، مُدْرِكِ الهارِبِينَ ، نَكالِ الظّالِمِينَ ، صَرِيخَ المُسْتَصْرِخِينَ ، مَوْضِعِ حاجاتِ الطّالِبِينَ ، مُعْتَمَدِ المُؤْمِنِينَ....

اللّهُمَّ إنّا نَرْغَبُ إلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمةٍ تُعِزُّ بِها الإسْلامَ وَأَهْلَهُ ، وَتُذِلُّ بِها النِّفاقَ وَأَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنا فِيها مِنَ الدُّعاةِ إلَى طاعَتِكَ ، وَالقادَةِ إلَى سَبِيلِكَ ، وَتَرْزُقُنا بِها كَرامَةَ الدُّنْيا وَالآخِرَهِ.

اللّهُمَّ ما عَرَّفْتَنا مِنَ الحَقِّ فَحَمِّلْناهُ ، وَما قَصُرْنا عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ.

اللّهُمَّ إنّا نَشْكُو إلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَغَيْبَهَ وَلِيِّنا ، وَكَثْرَهَ عَدُوِّنا ، وَقِلَّهَ عَدَدِنا ، وَشِدَّهَ الفِتَنِ بِنا ، وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِنّا عَلَى ذلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ ، وَبِضُرٍ تَكْشِفُهُ ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ ، وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ ، وَرَحْمَهٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها ، وَعافِيَهٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

«خدایا ! من به ستایش تو آغاز ثنا می کنم که تو به نعمت و احسان خویش راه صواب را استوار می داری و یقین آورم که در موضع عفو و رحمت ، مهربان ترین مهربانی و سخت ترین کین کشنده ای در جایگاه عقاب و انتقام ، وبزرگ ترین جبارانی در موضع کبریا و بزرگی.

خدایا ! به من رخصت دادی تا تو را بخوانم و بخواهم پس بشنوای شنوای مدح وستایشم وپاسخ گوی ای آنکه به مهربانی دعایم را می شنوی و ای آمرزنده لغزشم را بیامرز...

سپاس خدا را مالک هستی ، گرداننده کشتیها ، رام کننده بادها ، شکافنده صبحگاهان ، حکمفرمای روز جزا ، پروردگار جهانیان ،

و سپاس خدا را بر عفو او پس از قدرتش ، و سپاس خدا را بر حلم و بردباری دیر پای او در خشم و غضبش حال آنکه او بر آنچه خواهد تواناست. سپاس خدا را آفریننده موجودات ، گستردهٔ روزی ، شکافندهٔ صبحگاهان ، صاحب شکوه و بزرگواری و فضل و بخشایش ، آن که دور شود و دیده نشود و نزدیک شد و شاهد رازهای نهان است ، بزرگوار وبلند مرتبه...

سپاس خدا را آن که ترسیدگان را ایمنی می بخشد و صالحان را رهایی می دهد و مستضعفان را بالا می برد و مستکبران را فرو می نهد و پادشاهانی را هلاک می کند و دیگران را به جانشینی می گمارد ، و سپاس خدا را کوبندهٔ ستمگران ، هلاک کنندهٔ ظالمان ، دریابندهٔ گریزندگان ، به کیفر رسانندهٔ ستمگران، فریادرس فریادخواهان، مرجع حاجات نیازمندان، تکیه گاه اهل ایمان.

خدایا ! ما به تو امید داریم تا دولت با کرامت (امام زمان) را به ظهور آوری و بدان اسلام و مسلمانان را سرافرازی دهی و نفاق و منافقان را خوار گردانی و ما را در آن از دعوتگران به طاعت خویش و راهبران به راه خویش قرار دهی و بدان کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی فرمایی.

خدایا ! آنچه که از حق به ما باز شناساندی ما را به عمل بدان نیز وادار ، و آنچه از (شناخت) آن کوتاهی ورزیدیم بدان برسان.

خدایا ! ما از فقدان پیامبرمان و غیبت پیشوایمان و فراوانی دشمنان واندکی شمارمان وسختی فتنه ها وغلبهٔ روزگار برخود به تو شکایت می کنیم.

ص:۵۷

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در همهٔ این امور با فتح عاجل از جانب خود ، و بر طرف کردن رنج و سختی از ما نصرت خویش و عزّت وسلطنت حقّه که توآن را آشکار می گردانی ، پیروزی عطا کن و به رحمتی از توجّه خویش که همهٔ ما را فراگیرد و جامهٔ سلامت ، که ما را بپوشاند یاوری فرما ، به حق رحمت نامنتهایت ، ای مهربان ترین مهربان». (۱)

سخن آخر

از هزار و صد و شصت و یک سال پیش ، یعنی از زمان ولادت آن حضرت علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری تا این سال یعنی ۱۴۱۶ هجری ، سرور ما امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف در میان سجده کنندگان است و شبها را با تهجّد برای خدا زنده نگاه می دارد و روزها را به عبادت و تسلیم در برابر پروردگار جهانیان سپری می کنند.

او منتظر فرا رسیدن لحظه یاری است ، تا زمانی که خداوند به او اجازهٔ فرج دهد.

آن حضرت نیز همانند دیگر مؤمنان از خداوند فرج نزدیک را خواستار است و در نتیجه به برترین اعمال امّت محمّد صلی الله علیه و آله یعنی انتظار فرج مشغول است.

آه که چه آبرویی در پیشگاه خداوند دارد ! پس حاجتهای خود را فراروی خویش قرار دهیم و با توسّل به او از پروردگارمان بخواهیم که این اندوه را از امّت رنجدیدهٔ ما بزداید.

بیایید او را به هنگام شدّت یافتن دشواری بخوانیم و پروردگارمان را به بندهٔ صالحش که برای نصرت بندگان مستضعف خود او را ذخیره داشته ، سوگند دهیم تا عذاب را از ما بردارد.

بیایید خدا را بخوانیم و با جدیّت از او بخواهیم که سیمای تابانش را به ما بنمایاند و ما را در جرگهٔ یاران و یاورانش قرار دهد.

اِن شاء اللّه

۱- ((۱)) - تحفه الزائر ، فی ادب زیارته علیه السلام.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹